

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۴/۰۵

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۰۶/۰۱

تحلیل مبانی مدیریت نظامی پیامبر اعظم (ص) در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

چکیده:

اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برخی از مبانی و اصول مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) را ترسیم نموده است که مفاد آن باعث موفقیت در انجام مأموریت‌ها و ارتقای سطح نیروهای مسلح را فراهم می‌سازد. این تحقیق به دنبال تحلیل قرآنی مبانی مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها، اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای بوده و روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی است. در راستای پرسش‌های تحقیق، منابع علمی در خصوص موضوع و بیانات معظم له در سایت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داد مبانی مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) دارای مبانی و اصولی شامل: انگیزه الهی جهاد؛ ترغیب به جهاد و برشمردن فضیلت جهاد؛ رعایت عدالت و مساوات؛ حضور میدانی در جنگ‌ها و صحنه‌های نبرد؛ صبوری؛ پایداری و مقاومت؛ ساده زیستی و معاشرت؛ نظم، انضباط و نظارت؛ ذکر و عبادت است. واژگان کلیدی: مدیریت، مدیریت نظامی، اندیشه‌های قرآنی.

حجت الاسلام و
المسلمین
احمد دهمدار*

The principles of the military management of the great prophet from the perspective of Imam Khameneis Quranic thought

Abstract:

The Quranic thoughts of Imam Khamenei (Madazla-ul-Aali) have outlined some of the foundations and principles of the military management of the Holy Prophet (PBUH), whose contents provide success in carrying out missions and improving the level of the armed forces. This research seeks to analyze the Qur'anic principles of the military management of the Holy Prophet (PBUH) from the perspective of Imam Khamenei. The data collection tools are documents and library studies, and the research method is descriptive-analytical. In line with the research questions, scientific sources regarding the subject and statements of Her Holiness have been examined on the website of the Supreme Leader (Madazleh al-Ali). The findings showed that the principles of the military management of the Holy Prophet (PBUH) from the perspective of Imam Khamenei (Mudazala-ul-Ali) have foundations and principles including: the divine motive of Jihad; Encouraging Jihad and enumerating the virtues of Jihad; Observance of justice and equality; field presence in wars and battle scenes; patience; stability and resistance; simple living and socializing; order, discipline and supervision; It is remembrance and worship.

Keywords: Medirit, Medirit Nizami, Quranic thoughts.

* دانشجوی دکتری قرآن و علوم دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه - Ali.dehdar313@gmail.com



* ۱- مقدمه

واقع شده است. آنچه معمولاً از پیامبر اکرم (ص) و رهبری ایشان در ذهن خود ترسیم می‌شود یا نسبت به آن آشنایی داریم، تصویری یک‌بعدی و عمدتاً معطوف به سیره اخلاقی و تعلیمی آن حضرت است. پس صرفاً ابعاد وجودی ایشان را در تهذیب و ساختن انسان‌ها، هدایت بشریت به راه حق و ارشاد و وعظ منحصر و محدود می‌سازند. در صورتی که مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) قابل بهره‌گیری در ابعاد مختلف مدیریتی در جهان به‌ویژه جوامع اسلامی است. مسئله تحقیق، این است که علی‌رغم اهمیت موضوع و تأکیدات فراوان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، تاکنون تحلیل ایشان از مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) انجام نشده است. سؤال اصلی تحقیق آن است که مبانی مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) چیست؟ بنابراین این تحقیق به دنبال تحلیل قرآنی مبانی مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) از منظر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است.

* اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:

در صورت انجام تحقیق و تبیین ابعاد مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص)، آثار و برکات فراوانی به همراه دارد: در قرآن کریم، اشاره‌های مکرر و زیبایی به ظهور و سقوط امت‌ها شده است و خداوند سپاهیان را پیروز می‌کند که به حبل‌الله متمسک شوند و در عین حال ملبس به لباس ایمان، تقوا و تفکر و تعقل باشند و در سایه این امور، زندگی دنیوی و اخروی خود را مدیریت کنند. خداوند در کتاب کریمش (که سراسر نور و هدایت است)، ابعاد مدیریتی نبی مکرم اسلام (ص) و سایر انبیاء را بر شمرده است. از آنجایی که اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) منبعث از قرآن می‌باشد، ایشان برخی از مبانی و اصول مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) را ترسیم نموده است که مفاد آن برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران حجت بوده و دارای کارکرد مؤثر و راهگشا در توسعه امنیت نظامی خواهد بود. علی‌رغم وجود آثار علمی ارزشمند در خصوص اصول مدیریت، مدیریت رفتار سازمانی، مدیریت اسلامی، در زمینه مدیریت نظامی و به‌ویژه پژوهش‌هایی با موضوعات نظامی مستند به قرآن و

به‌زعم برخی صاحب‌نظران، عصر کنونی به نام «مدیریت و رهبری» نام‌گذاری شده و موفقیت نهادها و سازمان‌ها تا حدود زیادی به کارایی و اثربخشی مدیریت وابسته است. (بارو، ۱۹۷۷) الگوهای مدیریت که متصل به آموزه‌های وحیانی و اسلامی باشند، از اثربخشی زیادی برخوردار خواهند بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حضور یک حکومت مذهبی (که زمینه‌های نظری اداره امور حکومتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی آن بر پایه ارزش‌های دینی و مذهبی استوار است و اعمال حکومت تحت تأثیر نگرش الهی انسان قرار گرفته است)، مدیریت و فرماندهی نظامی نیز به‌عنوان یکی از وجوه اداره حکومت و فرایندی که باید تحت تأثیر نگرش تازه و جدید ارزشی حاکم بر کل جامعه قرار داشته باشد، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته و طبعاً برای دستیابی به اهداف مقدس تعریف شده، نیاز به الگوهای مدیریتی و فرماندهی برای نیروهای مسلح در این مقطع لازم و ضروری است. در جهان امروز که علوم، فن‌آوری و دانش پیشرفت کرده و ارتش‌های مجهزتری به وجود آمده است، مهم‌ترین مسئله، نبود الگوی مدیریتی مناسب و هماهنگ با آیات الهی و ائمه معصومین (ع) در سازمان‌های مدرن امروزی بشری و چگونگی اداره مجموعه عظیم انسانی است. امروزه از یک‌سو، جهان هر روز به سمت بی‌عدالتی پیش می‌رود و از سوی دیگر، فرماندهی به فنی پیچیده تبدیل شده است؛ از این رو باید فرماندهی و مدیریتی سالم و نظام‌مند ارائه شود، (درویشی، ۱۳۹۲) این مهم میسر نخواهد شد مگر با تمسک به منبعی غیر قابل تحریف و بی‌طرفی به نام قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع). هر فرهنگ و تمدنی در نزد خود دارای الگوهای مدیریتی و به‌خصوص فرماندهی می‌باشند، در نزد مسلمانان نیز رسول اکرم الگو و اسوه حسنه می‌باشند. خداوند در سوره احزاب (آیه ۲۱) این چنین فرموده است که: «همانا برای شما در (سیره‌ی) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست، (البته) برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند». مدیریت و رهبری پیامبر اکرم (ص) در عرصه‌های نظامی کمتر در معرض دید و نگاه تحلیلی محققان

می‌شود و آگاهی درستی از به کارگماری فرماندهان شایسته در مجموعه نیروهای مسلح نخواهیم داشت.

* مبانی نظری و ادبیات تحقیق

تعریف مفاهیم:

مدیریت: مدیریت^۱ در کتب لغت به معنای توانایی و شایستگی اداره جایی یا رهبری و کنترل فعالیت‌های در حال انجام برای رسیدن به هدف‌های مورد نظر، اداره کردن، لیاقت، شایستگی، توانایی، اداره کننده یا اداره کنندگان یک اداره، سازمان و شرکت، ذکر شده است. (علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۴: ۴۴؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۳: ۳۹۷۳) در اصطلاح مدیریت به معنای هماهنگ سازی تمام منابع سازمان به منظور تحقق اهداف سازمانی است. (درویشی، ۱۳۹۲)

مدیریت نظامی: مدیریت نظامی مجموعه اختیاراتی است که فرد هنگام خدمت در نیروهای مسلح، به سبب شغل یا درجه یا مسئولیتی که دارد در راستای انجام مأموریت‌های محول شده سازمانی به کار می‌گیرد. (رشیدزاده، ۱۳۹۰: ۷)

اندیشه‌های قرآنی:

اسلام دین اندیشه و تفکر و قرآن کتاب خرد، اندیشه و تعقل و عمل است. در فرهنگ فارسی معین اندیشه: تفکر، تأمل، بیم و اضطراب معنی شده است. «اندیشه» به معنای «بکار گرفتن نیروی عقل و اندیشه، برای استنتاج امور مؤثر ثمر است». (غیائی، ۱۳۸۰). اندیشه در اصطلاح علمی عبارت از: تأمل و تلاش ذهنی در امور برای رسیدن به مسئله‌ای جدید یا کشف مجهولات می‌باشد. این کار توسط ذهن یا عقل و در چند مرحله صورت می‌گیرد: الف) در نظر گرفتن مطلوب یا آنچه که مجهول است و باید به آن رسید. ب) بررسی معلومات و گزینش مفروضات و مقدمات لازم که با مطلوب یا مجهول تناسب دارند. ج) تنظیم و ترتیب مفروضات و مقدمات اولیه برای دستیابی به مجهول د) استنتاج مجهول از مفروضات و مقدمات اولیه. (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۳۲)

پیشینه تحقیق:

روایات، کمیاب هستند. لذا انجام این تحقیق که مبانی و اصول مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) را روشن ساخته است، مطلوب به نظر می‌رسد و منابع علمی در خصوص مدیریت نظامی اسلامی و دینی افزایش می‌یابد. بعلاوه، مدیریت و فرماندهی نظامی دینی باعث به کارگماری فرماندهان شایسته در مجموعه نیروهای مسلح می‌شود. به کارگیری شاخص‌های مدیریت نظامی اسلامی باعث موفقیت در انجام مأموریت‌ها و ارتقای سطح نیروهای مسلح را در گام دوم انقلاب اسلامی فراهم می‌سازد.

در صورت عدم تبیین و احصای مدیریت نظامی الهی و قرآنی، پیامدهای منفی به وجود می‌آید: انسان امروزی به واسطه نداشتن الگوی مطلوب و مناسب در حوزه مدیریتی به بیراهه رفته و برای بازگشت، هزینه گزافی پرداخت خواهد کرد؛ بنابراین ضروری است با انجام پژوهش‌های علمی، الگوهای شایسته مدیریتی که مدنظر خداوند نیز می‌باشد، بیشتر باز شناسایی شوند. چنانچه بشر صرفاً به تبعیت از اندیشه و عقل خود بپردازد، قطعاً به قهقرا خواهد رفت، همچنان که در سده اخیر بشر دو جنگ جهانی را تجربه کرد و در گذشته نیز بسیاری از اقوام که نابود شدند، همه دارای عقل بودند ولی قطعاً بشر نیازمند اتصال به عقل مطلق (وحی) است. بشر امروز به واسطه فاصله گرفتن از تعالیم انبیای الهی به اختلافات و جنگ‌ها و مطامع نامشروع دامن می‌زند و اختلافات موجود در جهان همچنان ادامه دارد. سایر کشورها نیز برای حفظ منابع و منافع خود، به تشکیل نهادها و سازمان‌های نظامی اقدام می‌نمایند. بالطبع این نهادها و سازمان‌ها زمانی ارتقاء خواهند یافت که تحت مدیریت و فرماندهی برتر و لایق قرار گیرند. منابع دینی و اسلامی الگوی مدیریت و فرماندهی نظامی شایسته را ترسیم نموده است و بایستی با انجام پژوهش‌هایی، این الگوها را شناسایی گردد. در صورت عدم تبیین و شناسایی الگوی مدیریت نظامی و حیانی و الهی، سازمان‌های نیروهای مسلح از تحقق مطلوب مأموریت‌های خود و آن نقشی که می‌بایست برای تحقق تمدن نوین اسلامی و زمینه ظهور ایفا نمایند، بازمی‌مانند.

انجام نشدن این تحقیق باعث عدم آشنایی فرماندهان از مبانی و اصول مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص)



رزمی، تظاهر به قوی بودن، پایبندی به مقدسات خود و حمله به مقدسات طرف مقابل خواهد بود. رضایی، بهشتی و رفیعی (۱۳۹۵) به سیره مدیریتی پیامبر اکرم (ص) در حوزه انتظام اجتماعی پرداختند. بر پایه یافته‌های این تحقیق، سیره مدیریتی پیامبر اکرم (ص) در حوزه انتظام اجتماعی پنج موضوع قابل دسته‌بندی است: انتخاب مسجد به‌عنوان نخستین پایگاه انتظامی، تدوین نخستین منشور انتظامی، تأمین نظم و انتظام شهر مدینه، اقدامات اطلاعاتی - انتظامی، اقدامات انتظامی - امنیتی. پژوهش علی‌انساب (۱۳۹۴) باهدف بررسی شیوه پیامبر اکرم (ص) در مدیریت روانی جامعه و پاسخگویی به این سؤال که «دولت‌ها چگونه روحیه و اراده ملت خود را برای همکاری مدیریت کنند؟» انجام شد. دستاوردهای تحقیق نشان داد که پیامبر بدون خروج از مسیر اخلاق اسلامی، با روش‌های متعدد، جامعه را در مقابل دشمن، بانشاط و آماده نگاه می‌داشتند. موفقیت روانی در عرصه مدیریت جامعه اسلامی برای پیامبر در شرایطی حاصل شد که آن حضرت اساس مدیریت روانی خود را بر صداقت و واقعیت‌ها، حفظ اصول و حقوق اسلامی و شأن انسانی امت خود بنا نهاد. بعضی از این روش‌ها عبارت‌اند از: توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی مخاطبان؛ تعامل مستقیم و عاطفی با مردم، دانش‌افزایی و آگاهی‌بخشی به آنان؛ مشارکت دادن آنان در امور سیاسی، اجتماعی و نظامی؛ استفاده از ظرفیت گروه‌های مرجع؛ بازسازی روانی جامعه پس از بحران‌ها؛ احیای نظام ارزشی جامعه و حراست اعتقادی؛ جلوگیری از حضور عناصر سست‌عنصر در حوزه مسلمین. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که امتیاز مدیریت روانی پیامبر (ص) بر جنگ روانی، افزون بر حفظ کرامت انسانی، تأثیر ماندگار و طولانی مدت آن است. عبدالله متولی و محسن بهرام‌نژاد (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان «بازشناسی الگوهای جنگ روانی در نبردهای پیامبر اکرم (ص)» به دنبال پاسخ به این سؤال بود که پیامبر اسلام در عرصه جنگ‌ها از چه الگوها و ترفندهای خاص روانی بهره می‌برد؟ ترفندها و ابزارهای متناسب با اوضاع برای فعال‌سازی احساسات ضددشمن در نیروهای خودی، در این منازعات به کار گرفته می‌شد. این ترفندها در دو قالب

در اینجا، با توجه به موضوع تحقیق، به چند مورد از تحقیقات پیشین اشاره می‌گردد:

هدف پژوهش شاهقلیان قهفرخی (۱۳۹۹) با عنوان مؤلفه‌های مدیریت نظامی و فرماندهی پیامبر اکرم (ص)، بررسی شیوه‌های نظامی به‌کاررفته در مدیریت و فرماندهی پیامبر اکرم (ص) در جنگ‌های مختلف است. نتایج پژوهش نشان داد، چهار شاخص مهم در مدیریت و فرماندهی پیامبر اکرم (ص) نقش بسیار مهمی در پیروزی ایشان در جنگ‌ها داشته است که عبارت‌اند از: ۱- استفاده از انواع اصول و روش‌های جنگی، ۲- خلاقیت و نوآوری در جنگ‌ها، ۳- آمادگی و آموزش فنون جنگی به لشکر، ۴- سازمان‌دهی نیروها و تجهیزات در جنگ‌ها. از جمله اصول و روش‌های مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) سازمان‌دهی جنگ‌ها، کسب اطلاعات از دشمن، ایجاد اختلاف در اردوی دشمن، وحشت انداختن در دل دشمن، حضور در صحنه جنگ، عملیات روانی بوده است. زین‌الدینی، (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان «مدیریت و فرماندهی نیروهای مسلح از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای»، ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت و حیانی برای آموزه‌های قرآنی و امامین انقلاب را مورد بررسی قرار داده است. ابعاد مدیریت و فرماندهی در نیروهای مسلح بر اساس گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) عبارت است از: باور به خود، باور به کارکنان، برنامه‌ریزی، بسیج منابع، هدایت و رهبری، هماهنگی و کنترل و نظارت. هدف پژوهش رشیدی و آذر (۱۳۹۵) با عنوان «تحلیل هرمنوتیک عملیات روانی در عصر نبوت پیامبر اسلام (ص)»، تبیین عملیات روانی از دیدگاه قرآن در عصر نبوت پیامبر اکرم (ص) بوده است. یافته‌های تحقیق نشان داد بخشی از آیات مرتبط با عملیات روانی، در مقام پاسخگویی به عملیات روانی دشمن بوده و در صدد است آن‌ها را خنثی نماید. بخش دیگری از آیات که جنبه تعرضی دارد می‌خواهد روحیه طرف مقابل را مورد تأثیر قرار داده و وادار به تسلیم نماید. نتایج تحقیق بیانگر این است که چنانچه آیات قرآن کریم به‌درستی بررسی و تبیین شود روش و فرهنگ استواری جهت اصلاح سبک عملیات روانی توسط مسلمانان در ابعاد انتشار شایعه، استفاده از اشعار

محورهای چون: مدیریت منابع و نیروی انسانی، مدیریت آموزش، مدیریت سیاسی و استراتژیک و مدیریت فرهنگی با محوریت مدیریت و رهبری نظامی اشاره نماید.

به طور کلی، در خصوص اصول مدیریت، مدیریت رفتار سازمانی، مدیریت اسلامی و... مقاله‌ها و کتاب‌های ارزشمندی تهیه و تألیف شده است و در زمینه مدیریت نظامی (که به ویژگی‌های مدیران نظامی می‌پردازد)، آثار کمی وجود دارد، ولی به عقیده نگارنده، پژوهش‌هایی با موضوعات نظامی مستند به قرآن و روایات کمیاب هستند. لذا استناد به کتاب خدا که عاری از هرگونه نقص و اختلاف و ابهام و سراسر نور و هدایت برای همه انسان‌ها و مدیران در همه اعصار است، مطلوب به نظر می‌رسد. علی‌رغم این که برخی از شاخص‌های مدیریت نظامی پیامبر گرامی اسلام (ص) در تحقیقات پیشین مورد بررسی قرار گرفته؛ لیکن مبانی و اصول مدیریت نظامی در اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است.

* ۲- روش اجرای پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها، اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای بوده و روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی است. در راستای پرسش‌های تحقیق، منابع علمی در خصوص موضوع، بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در سایت لیدر و خامنه‌ای^۱ از سال ۱۳۶۸ تا زمان نگارش این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق، به طور کلی تعداد چهارده سخنرانی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) مورد استناد قرار گرفته است.

* ۳- تجزیه و تحلیل

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در طی سخنرانی‌های مختلف اندیشه و مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) را تشریح نموده است. در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که پیامبر در همه ابعاد اسوه و الگوی مسلمانان می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) در

بررسی و ارزیابی شدند: یکی تکنیک و شیوه‌های نرم و دیگری تکنیک و شیوه‌های مستقیم (سخت‌افزاری، کاربردی یا همان عملیات روانی). نتایج تحقیق نشان داد که پیامبر (ص) افزون بر اجرای وظایف اصلی‌اش، در عرصه‌های نظامی نیز فرمانده کاردانی بود که با اجرای مستقیم برنامه‌های نظامی بر پایه اصول جنگ روانی، در گسترش آیین خود، توفیق یافت. در تحقیق درویشی، (۱۳۹۲) الگوی مدیریت مطلوب بر اساس آیات قرآنی و مصداقی حضرت داود (ع) برای پاسخ به معضلات مدیریت فردمحور در سازمان‌های نوین امروزی تبیین شده است. در این تحقیق، به ویژگی‌های حضرت داود از جمله اطاعت و تبعیت از فرماندهی، قاطع بودن، خستگی‌ناپذیری، داشتن علم و آگاهی، مصمم بودن، پرهیز از ریاست‌طلبی و مشورت در کارها اشاره شده است. هدف تحقیق نیک‌پور و همکاران (۱۳۹۲) شناسایی عناصر رفتار سازمانی در سیره نبی اکرم (ص) بوده است. در این پژوهش، ۴۲ مؤلفه رفتار سازمانی در سه سطح فرد، گروه و سازمان مبتنی بر الگوی رفتار سازمانی رابینز شناسایی شده است. عناصر فردی رفتار در سیره نبی اکرم مهرورزی با مردم؛ ارج‌گذاری و احترام به افراد؛ تواضع و فروتنی؛ حسن خلق؛ وفای به عهد؛ نظم و انضباط فردی؛ سعه‌صدر؛ مدارا و گذشت؛ عیب‌پوشی؛ تقوا و پرهیزگاری؛ صداقت و راست‌گویی؛ امانت‌داری و درستکاری؛ صمیمیت و محبت؛ وجدان اخلاقی؛ تهذیب نفس؛ خلوص نیت؛ رضایت از کار؛ شجاعت و قاطعیت؛ همت و بلندنظری؛ انگیزه؛ یادگیری فردی و مؤثر بودن رهبری تعیین شدند. در سطح گروهی رفتار در سیره نبی اکرم عبارت‌اند از: انسجام و همدلی؛ تصمیم‌گیری گروهی؛ مشورت؛ ارتباطات و رهبری. عناصر سطح سازمانی رفتار انسجام ساختاری؛ انعطاف‌پذیری ساختاری؛ قدرت؛ تعویض اختیار؛ سلسله‌مراتب اختیار؛ آزادی بیان؛ عدالت و انصاف سازمانی؛ نظم و انضباط سازمانی؛ تنبیه و تشویق؛ نظارت و بازرسی؛ سیستم پرداخت؛ مدیریت فرهنگ؛ مدیریت تعارض و مدیریت تغییر بودند. قائدان (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «مدیریت و رهبری پیامبر (ص) در عرصه‌های نظامی» کوشیده است به زوایای مختلف مدیریتی آن حضرت در



مبعث، ۱۳/۱۲/۱۳۷۶) اولین صحنه زندگی پیامبر اکرم (ص)، صحنه دعوت و جهاد بود. چه در مکه و چه بعد از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه بود؛ اما در این صحنه دعوت و جهاد دچار سستی نشد و با قدرت جامعه اسلامی را پیش برد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۵/۰۷/۱۳۷۰)

در نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) آنچه اسلام مطرح می‌کند، این است که عرصه‌ی فعالیت این دین، تمام گستره‌ی زندگی بشر است؛ از اعماق قلب او تا مسائل اجتماعی تا مسائل سیاسی تا مسائل بین‌المللی تا مسائلی که به مجموعه‌ی بشریت ارتباط دارد؛ یعنی در تمامی ابعاد زندگی انگیزه الهی حضور دارد و جهاد بخشی از دین اسلام می‌باشد:

در قرآن، یکجا می‌گوید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا**، که مطلب یک مطلب قلبی و مربوط به دل انسان است، اما یکجا هم می‌گوید: **الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ**؛ این هم هست؛ یعنی از آن «أَذْكُرُوا اللَّهَ» تا «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ»، همه‌ی این عرصه‌ی عظیم در حوزه‌ی تصرف دین است. یکجا خطاب به پیغمبر می‌فرماید که: **«قُمِ اللَّيْلَ الْأَقْلِيلًا، نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»**، یکجا هم باز خطاب به پیغمبر می‌فرماید که: **«فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تَكُلْفُ الْأَنْفُسَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ»**؛ یعنی همه‌ی این عرصه‌های عظیم زندگی؛ از بیداری نیمه‌ی شب و تضرع و توسل و دعا و گریه و نماز تا مقاتله و حضور در میدان جنگ که زندگی پیغمبر هم همین را نشان می‌دهد. (بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۲/۰۸/۱۴۰۰)

۳-۲- مبارزه با تمایلات نفسانی؛

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دسته‌بندی دشمنان در زمان پیامبر اکرم (ص)، دشمن پنجم را تمایلات نفسانی و جنگ با آن را جهاد اکبر می‌داند.

و اما دشمن پنجم، دشمن پنجم عبارت بود از دشمنی که در درون هر یک از افراد مسلمان و مؤمن وجود داشت. خطرناک‌تر از همه دشمن‌ها هم همین است.

تمامی حوزه‌ها -هم در گفتار و هم در رفتار خود- نظیر مدیریت نظامی -الگو می‌باشد. به همین دلیل خدای متعال به مسلمانان دستور داده است که از پیامبر (ص) تبعیت کنیم. لیکن «اگر به‌طور صد در صد مثل رفتار آن حضرت عملی نیست -که نیست- لااقل شباهت به آن بزرگوار باشد». (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۵/۰۷/۱۳۷۰) مسلمانان موظف هستند به آن بزرگوار اقتدا نمایند؛ خداوند فرمود: «ولکم فی رسول اللہ اسوة حسنة». ما باید به پیامبر اکرم (ص) اقتدا و تأسی کنیم. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۳/۰۲/۱۳۷۹) در نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برای عمل نمودن به دستورات حکمرانی الهی به یک مدیریت و فرماندهی نیاز هست و مدیریت و راهبری اساسی با خود شخص پیامبر (ص) است. «یعنی پیغمبر اکرم و همه‌ی پیغمبران نبی مکرم اسلام و قبل از او پیامبران دیگر -مدیران و فرماندهانی هستند که موظف‌اند حکمرانی دینی و الهی در جامعه را که محصول بعثت پیغمبران است و با کتاب الهی ارائه می‌شود، اجرا کنند و این را تحقق ببخشند». (بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث، ۳۱/۰۵/۱۳۸۵)

در اینجا به تعدادی از مهم‌ترین مبانی و اصول مدیریت نظامی پیغمبر اسلام (ص) در اندیشه‌های قرآنی رهبر معظم انقلاب اسلامی اشاره می‌گردد.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در طی سخنرانی‌های مختلف اندیشه و مدیریت نظامی را تشریح نموده است. این مبانی و اصول مدیریت نظامی نه تنها برای مسلمانان بلکه برای کل انسان‌ها الگو و قابل بهره‌گیری می‌باشد. در اینجا به تعدادی از مهم‌ترین مبانی و اصول مدیریت نظامی پیغمبر اسلام (ص) در اندیشه‌های قرآنی رهبر معظم انقلاب اسلامی اشاره می‌گردد:

۳-۱- انگیزه الهی جهاد؛

اولین کاری که پیامبر اکرم (ص) در مدینه انجام داد، پرداختن به امور سیاسی، تشکیل یک حکومت دینی، انجام اموری مثل جنگیدن کرد، این یعنی وحدت دین و سیاست در اسلام است. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید

اهانت‌ها را تحمل کرد، سختی‌ها و رنج‌ها را به جان خرید تا توانست جمع کثیری را مسلمان کند؛ و چه آن وقتی که حکومت اسلامی تشکیل داد و خود در موضع رئیس این حکومت، قدرت را به دست گرفت. آن روز هم دشمنان و معارضان گوناگونی در مقابل پیامبر بودند؛ چه گروه‌های مسلح عرب - وحشی‌هایی که در بیابان‌های حجاز و یمامه، همه‌جا پراکنده بودند و دعوت اسلام باید آن‌ها را اصلاح می‌کرد و آن‌ها مقاومت می‌کردند - و چه پادشاهان بزرگ دنیای آن روز - دو ابرقدرت آن روز عالم؛ یعنی ایران و امپراتوری روم - که پیامبر نامه‌ها نوشت، مجادله‌ها کرد، سخن‌ها گفت، لشکر کشی‌ها کرد، سختی‌ها کشید، در محاصره‌ی اقتصادی افتاد و کار به جایی رسید که مردم مدینه گاهی دو روز و سه روز، نان برای خوردن پیدا نمی‌کردند. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

پیامبر اکرم (ص) در دعوت و جهاد خود، در مقابل تهدیدات و ناملازمات فراوان ایستادگی کرد: تهدیدهای فراوان از همه طرف پیامبر را احاطه کرد. بعضی از مردم نگران می‌شدند، بعضی متزلزل می‌شدند، بعضی نق می‌زدند، بعضی پیامبر را به ملامت و سازش تشویق می‌کردند؛ اما پیامبر در این صحنه‌ی دعوت و جهاد، یک لحظه دچار سستی نشد و با قدرت، جامعه‌ی اسلامی را پیش برد تا به اوج عزت و قدرت رساند؛ و همان نظام و جامعه بود که به برکت ایستادگی پیامبر در میدان‌های نبرد و دعوت، در سال‌های بعد توانست به قدرت اول دنیا تبدیل شود. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

پیامبر اکرم (ص) یک جهاد مرکب و همه‌جانبه را در طی زمان بیست و سه سال دنبال نمود:

این مخلوق بی‌نظیر الهی، این انسان کامل که قبل از نزول وحی الهی به این مرحله‌ی از کمال رسیده است، از اولین لحظه‌ی بعثت یک جهاد مرکب همه‌جانبه‌ی دشوار را آغاز کرد و بیست و سه سال در نهایت دشواری این جهاد را پیش برد. جهاد او در درون خود، جهاد با مردمی که از حقیقت هیچ ادراکی نداشتند و جهاد با آن فضای ظلمانی مطلق بود. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید، ۱۳۸۵/۰۵/۳۱)

این دشمن در درون ماهم وجود دارد: تمایلات نفسانی، خودخواهی‌ها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزش‌هایی که زمینه آن را خود انسان فراهم می‌کند. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

وسیله مبارزه با این دشمن با شمشیر (سخت‌افزاری) نیست، بلکه به وسیله تربیت و تزکیه و هشدار (نرم‌افزاری) است. منتها مبارزه با این دشمن با زحمت همراه است که پیامبر اکرم (ص) جنگ و جهاد را جهاد اصغر و مبارزه با تمایلات نفسانی را جهاد اکبر می‌نامد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

در طول تاریخ جوامع اسلامی، جهاد اکبر از جهاد اصغر مهم‌تر است چرا که:

خطر بزرگ برای جامعه اسلامی این است؛ هر جا هم که شما در تاریخ می‌بینید جامعه اسلامی منحرف شده، از اینجا منحرف شده است. ممکن است دشمن خارجی بیاید، سرکوب کند، شکست دهد و تار و مار کند؛ اما نمی‌تواند نابود کند بالاخره ایمان مهم‌اند و در جایی سربلند می‌کند و سبز می‌شود؛ اما آنجایی که این لشکر دشمن درونی به انسان حمله کرد و درون انسان را تهی و خالی نمود، راه منحرف خواهد شد. هر جا انحراف وجود دارد، منشأش این است. پیغمبر با این دشمن هم مبارزه کرد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

۳-۳- ترغیب به جهاد و برشمردن فضیلت جهاد؛

در نزد امام خاتمه‌ای (مدظله‌العالی) زندگی پیامبر اکرم (ص)، صحنه دعوت به حق و جهاد در راه این دعوت بود. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

اماد در این راه هرگز دچار تشویش و سستی نشد؛ چه در مکه، چه در مدینه، چه با سران عرب، چه با پادشاهان بزرگ آن روز دنیا؛ در مقابل دنیای ظلمانی زمان خود، پیامبر اکرم دچار تشویش نشد. چه آن روزی که در مکه تنها بود، یا جمع کوچکی از مسلمین او را احاطه کرده بودند و در مقابلش سران متکبر عرب، صنایع قریش و گردنکشان، با اخلاق‌های خشن و با دست‌های قدرتمند قرار گرفته بودند و یا عامه‌ی مردمی که از معرفت نصیبی نبرده بودند، وحشت نکرد؛ سخن حق خود را گفت، تکرار کرد، تبیین کرد، روشن کرد،



۳-۴- رعایت قسط و عدالت؛

در نظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) قسط یعنی عدالت اجتماعی که یکی از اهداف انبیاء می‌باشد. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث، ۱۳۸۵/۰۵/۳۱) برابر امر الهی حتی بر دشمنان خود نیز بایستی عدالت را رعایت نمود. پیامبر اکرم (ص) علاوه بر استقرار عدالت در میان مردم، (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۱۵) عدالت را در باره دشمنان نیز لازم می‌داند. (دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۰/۰۸/۰۲)

یکی از مهم‌ترین و شاید بشود گفت مهم‌ترین هدف میانی بعثت پیغمبران، استقرار عدالت است. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ هدف ارسال رسل و انزال کتب این بود که قیام به قسط بشود، جامعه قائم به عدل و قسط باشد. در قرآن کریم از قول پیغمبر [می‌فرماید]: وَأَمْرٌ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ؛ این هم امر خدا است که بایستی عدالت انجام بگیرد. همه‌ی عقلای عالم هم البته این را قبول دارند؛ یعنی حتی ظالم‌ترین قدرت‌های عالم و عناصر شریر عالم نمی‌توانند منکر حسن عدالت بشوند؛ حتی بعضی‌ها با وقاحت تمام، ادعای عدالت هم می‌کنند، در حالی که ظالم‌اند! قرآن کریم عدالت را حتی در مورد دشمنان لازم می‌داند؛ این کسی که دشمن ما است، در مورد او بی‌عدالتی نباید بکنیم. وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى؛ با دشمن هم حتی بایستی شما با عدالت رفتار بکنید. سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۸: «... و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است...» (بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام ۱۴۰۰/۰۸/۰۲)

۳-۵- حضور میدانی در جنگ‌ها و صحنه‌های

نبرد؛

پیامبر اکرم (ص) شخصاً در جنگ‌ها و صحنه‌های نبرد مشارکت و حضور واقعی داشت. به‌عنوان مثال،

در جنگ خندق فقط با دستور حضور نداشت؛ با تن خود در وسط جمعیت حضور داشت؛ یعنی در حفر خندق و تحمل سختی‌ها و بردباری‌ها مثل دیگران حضور داشت:

آخرین جنگی که آن‌ها سراغ پیغمبر آمدند، جنگ خندق - یکی از آن جنگ‌های بسیار مهم - بود. همه‌ی نیرویشان را جمع کردند و از دیگران هم کمک گرفتند و گفتند می‌رویم پیغمبر و دویست نفر، سیصد نفر، پانصد نفر از یاران نزدیک او را قتل‌عام می‌کنیم؛ مدینه را هم غارت می‌کنیم و آسوده برمی‌گردیم؛ دیگر هیچ اثری از اینها نخواهد ماند. قبل از آن که اینها به مدینه برسند، پیغمبر اکرم از قضایا مطلع شد و آن خندق معروف را کند. یک‌طرف مدینه قابل نفوذ بود؛ لذا در آنجا خندقی تقریباً به عرض چهار متر کردند. ماه رمضان بود. طبق بعضی از روایات، هوا بسیار سرد بود؛ آن سال بارندگی هم نشده بود و مردم در آمدی نداشتند؛ لذا مشکلات فراوانی وجود داشت. سخت‌تر از همه، پیغمبر کار کرد. در کندن خندق، هر جا دید کسی خسته شده و گیر کرده و نمی‌تواند پیش برود، پیغمبر می‌رفت کلنگ را از او می‌گرفت و بنا می‌کرد به کار کردن؛ یعنی فقط با دستور حضور نداشت؛ با تن خود در وسط جمعیت حضور داشت. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

در جنگ خندق (وقتی که مسلمین در مدینه از همه طرف تقریباً محاصره بودند و غذا به مدینه نمی‌آمد و آذوقه‌ی مردم تمام شده بود، به‌طوری‌که گاهی دو روز، سه روز کسی غذا گیرش نمی‌آمد که بخورد)، در همان حال پیامبر اکرم (ص) خودش در خندق کندن در برابر دشمن، با مردم مشارکت می‌کرد و مانند مردم گرسنگی می‌کشید. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

در صحنه نبرد خودش امور فرماندهی جنگ‌ها را به عهده داشتند؛ هم مسائل نظامی را شخصاً انجام می‌داد. (نیروها را مرتب می‌کرد، تشویق می‌کرد، آموزش می‌داد، خودش دست به سلاح می‌برد و می‌جنگید). (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸) و هم امور دینی را انجام می‌داد: در وسط میدان جنگ، روی زانو می‌افتاد و دستش را پیش خدای متعال بلند می‌کرد و جلو مردم بنا می‌کرد

۱- حدید/۲۵

۲- مائده/۸

در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۶/۰۹/۱۵

صبر در زندگی پیامبر اکرم (ص) چیز برجسته‌ای است. از همان قدم اول (از اول دوران بعثت) خدای متعال به پیامبر اکرم دستور صبر داده است. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۶/۰۹/۱۵) لیکن استقامت او استقامتی بود که در تاریخ بشری نظیرش را نمی‌شود نشان داد. چنان استقامتی به خرج داد که توانست این بنای مستحکم خدایی را که ابدی است، پایه‌گذاری کند. مگر بدون استقامت، ممکن بود؟ با استقامت او ممکن شد. با استقامت او، یاران آن چنانی تربیت شدند. با استقامت او، در آن جایی که هیچ ذهنی گمان نمی‌برد، خیمه مدنیّت ماندگار بشری در وسط صحراهای بی‌آب و علف عربستان برافراشته شد؛ «فلذک فادع و استقم كما امرت» اینها اخلاق شخصی پیامبر است. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳) فرمان خدا مبنی بر دشواری ایستادگی و دقت نظر در همه رفتار باعث پیر شدن پیامبر شد:

در سوره‌ی «هود» خدای متعال به پیغمبر می‌فرماید: «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا» یک روایتی از پیغمبر هست که فرمود: «شبیبتنی سوره هود»؛ یعنی سوره‌ی «هود» من را پیر کرد؛ از بس بار این سوره سنگین بود. کجای سوره‌ی هود؟ نقل شده است که مراد، همین آیه‌ی «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ» است. چرا پیغمبر را پیر کند؟ چون در این آیه می‌فرماید: همچنانی که به تو دستور دادیم، در این راه ایستادگی کن، استقامت کن و صبر نشان بده. خود این ایستادگی کار دشواری است. این «صراط» است؛ پل صراطی که مظهر آن را در روز قیامت برای ما تصویر کرده‌اند. باطن عمل و راه ما در اینجا، همان پل صراط است؛ ما الآن داریم روی پل صراط حرکت می‌کنیم؛ باید دقت کنیم. اگر انسان بخواهد این دقت را در همه‌ی رفتار خود به کار بگیرد، او را پیر می‌کند. (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۰۱/۰۶)

اما پیغمبر فقط مأمور نیست که خودش ایستادگی

به اشک ریختن و با خدا حرف زدن: پروردگارا! تو به ما کمک کن؛ پروردگارا! تو از ما پشتیبانی کن؛ پروردگارا! تو خودت دشمنانت را دفع کن. نه دعای او موجب می‌شد که نیرویش را به کار نگیرد؛ نه به کار گرفتن نیرو، موجب می‌شد که از توسل و تضرع و ارتباط با خدا غافل بماند؛ به هر دو توجه داشت. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸) علاوه بر مسائل نظامی، پیامبر اکرم (ص) در جامعه اسلامی آن روز یعنی مدینه و اطراف مدینه و بعداً مکه به کار مردم با نظم و ترتیب اهتمام داشت. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

۳-۶- صبوری، پایداری و مقاومت؛

از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) صبر یعنی پایداری. (مقاومت، تحمّل فشارها و مشکلات) در مقابل دشمن و مصائب گوناگون انسان پایداری کند، خودش را حفظ کند. استقامت در میدان‌ها و حوزه‌های مختلف همچون میدان‌های جنگ نظامی، میدان سیاسی، میدان جنگ شناختی متفاوت است ولی استقامت نیاز هست. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۶/۰۹/۱۵) خدای متعال به پیامبران گذشته خود نیز دستور صبر داده است. فی‌المثل به حضرت موسی (ع) فرمود: «فَأَسْتَقِمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ بایستید، استقامت کنید. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۶/۰۹/۱۵) حضرت موسی (ع) به خداوند متعال عرض کرد: رَبَّنَا أَنْتَ أَتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ؛ نفرین کرد. فرعون در مقابل حضرت موسی یک قدرت فائده‌ای بود؛ زینت، اموال، استعداد، سلاح، پول، همه چیز در اختیار او بود؛ موسی دست تنها بود؛ از خدای متعال درخواست کرد، استغاثه کرد؛ خداوند متعال در جواب فرمود: قَالَ قَدْ أُجِيبَتِ دَعْوَتُكُمَا؛ دعای شما دو نفر را -موسی و هارون را- ما قبول کردیم، مستجاب کردیم، اما شرط دارد: فَأَسْتَقِمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ بایستید، استقامت کنید. (بیانات



فراهم می‌شد، می‌خورد؛ غذای خاصی نمی‌خواست؛ غذایی را به‌عنوان نامطلوب رد نمی‌کرد. در همه‌ی تاریخ بشریت، این خلیقات بی‌نظیر است. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

ساده‌زیستی فرمانده مثل سربازان را در جنگ خندق قابل ذکر می‌باشد. در جنگ خندق، «در خندق کندن در برابر دشمن، با مردم مشارکت می‌کرد و مانند مردم گرسنگی می‌کشید». (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

اما این روحیه را در زمانی که غنائم زیادی نصیب مسلمانان شد و قلمرو اسلامی گسترش یافت نیز به قوت خود باقی ماند.

همچنین بعد از فتح طائف، غنائم زیادی به دست پیامبر رسید و او آن‌ها را بین مسلمین تقسیم می‌کرد. عده‌ایی از این تازه‌مسلمانان و قبایل اطراف مکه و طائف بودند که بر سر پیامبر ریختند و غنیمت خواستند؛ پیامبر را اذیت کردند، محاصره کردند؛ پیامبر می‌داد، می‌گرفتند؛ اما باز می‌خواستند! کار به جایی رسید که عبای روی دوش پیامبر هم به دست این عرب‌های تازه‌مسلمان ناهموار و خشن افتاد! اینجا هم که در اوج عزت و قدرت بود، پیامبر باز با مردم با همان رفیق، با همان مدارا و با همان خوش‌رویی رفتار کرد؛ با خوش‌اخلاقی و خوش‌خلقی صدایش را بلند کرد و گفت: «ایها الناس ردّوا علیّ بردی»؛ ای مردم! عبایم را به من برگردانید! این، وضع معاشرت پیامبر با مردم بود. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

۳-۸- دارا بودن خلق و خوی مردمی؛

پیامبر با غلامان نشست و برخاست می‌کرد و با آن‌ها غذا می‌خورد. او بر روی زمین نشسته بود و با عده‌ایی از مردمان فقیر غذا می‌خورد. زن بیابان‌نشین عبور کرد و با تعجب پرسید: یا رسول‌الله! تو مثل بندگان غذا می‌خوری؟! پیامبر تبسمی کردند و فرمودند: «وی حک ای عبد اعد متی»؛ از من بنده‌تر کیست؟ (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

پیامبر، هرگز خلق و خوی مردمی و محبت و رفیق‌به‌مردم و سعی در استقرار عدالت در میان مردم را فراموش نکرد؛ مانند خود مردم و متن مردم زندگی کرد؛ با آن‌ها نشست و برخاست کرد؛ با غلامان و

کند؛ باید خیل عظیم مؤمنان را هم در همین راه به ایستادگی وادار کند. انسان‌هایی که از یک طرف در معرض هجوم بلایا و مشکلات زندگی هستند و از طرف دیگر، موردتهاجم هواهای نفسانی خودشان هستند. مؤمنین را در بین این دو جاذبه‌ی قوی -جاذبه‌ی فشار دشمن و جاذبه‌ی فشار درونی دل‌هوسران- و این دو مغناطیس، در خط مستقیم نگاه‌داشتن و هدایت کردن، به گمان زیاد، این، آن کاری است که پیغمبر را پیر کرد. (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۰۱/۰۶)

در آیات و روایات فراوان به پیامبر اکرم (ص) دستور صبر داده شده است:

در سوره‌ی مدّثر (وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ)، در سوره‌ی مزمل (وَأَصْبِرْ عَلٰی مَا یَقُولُونَ)؛ (سوره‌ی مدّثر و مزمل جزو اولین سوره‌هایی است که بر پیغمبر نازل شده) - از همان قدم اول، خدای متعال به پیغمبر می‌گوید باید صبر داشته باشی. قریب به بیست جا خطاب به پیغمبر، امر به صبر شده است: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ» در روایات متعدّد هم هست که صبر به صبر عن المعصیة، صبر علی الطّاعة و صبر در مقابل حوادث تقسیم می‌شود. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۶/۰۹/۱۵)

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) برای پیروزی مردم، نخبگان، مسئولین ایران و سایر ملت‌ها نسخه‌ای دارند و آن است که: اگر ملت‌ها و زیدگان و نخبگان استقامت را فراموش نکنند، قطعاً پیروزی نصیب خواهد شد. لازمه صبر استمرار حرکت است: لازمه‌ی صبر و پایداری، این است که متوقف نشویم؛ حرکت نباید توقف پیدا کند، باید ادامه پیدا کند؛ این صبر است. این می‌شود پیروی از پیغمبر؛ (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) ما امروز بیش از همه چیز به پایداری احتیاج داریم. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۶/۰۹/۱۵)

۳-۷- ساده‌زیستی؛

یکی از خلیقات پیامبر اکرم (ص) ساده‌زیستی است که در تمامی دوران زندگی و جنگ‌های ایشان به چشم می‌خورد. این ساده‌زیستی در پوشاک، خوراک، در رفتار با مردم کاملاً مشهود بود. او لباس ساده می‌پوشید. هر غذایی که در مقابل او بود و

نیامد که پدر خود را گرسنه بگذارد. تکه‌یی از آن نانی که برای بچه‌ها پخته بود، برای پدرش برد. پیامبر فرمود: دخترم! از کجا آورده‌ای؟ گفت: مال بچه‌هاست. پیامبر لقمه‌یی در دهانشان گذاشتند و خوردند. طبق روایت - که گمان می‌کنم سند روایت هم سند معتبری است - پیامبر فرمود: من سه روز است که هیچ چیز نخورده‌ام! بنابراین، او مثل خود مردم و در کنار مردم بود و با آن‌ها رفیق و مدارا می‌کرد؛ چه در این حالت و چه در دورانی که سختی‌ها بر طرف شده بود، مکه فتح شده بود، دشمنان منکوب شده بودند و همه سر جای خود نشسته بودند. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

در عین معاشرت، او در کمال نظافت و طهارت ظاهری و معنوی بود که عبدالله بن عمر گفت: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَجْوَدَ وَلَا أَنْجَدَ وَلَا أَشْجَعَ وَلَا أَوْضَأَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ»؛ از او بخشنده‌تر و یاری‌کننده‌تر و شجاع‌تر و درخشان‌تر کسی را ندیدم. این، رفتار پیامبر با مردم بود؛ معاشرت انسانی، معاشرت حَسَن، معاشرت مانند خود مردم، بدون تکبر، بدون جبروت. با این‌که پیامبر هیبت الهی و طبیعی داشت و در حضور او مردم دست و پای خودشان را گم می‌کردند، اما او با مردم ملاطفت و خوش‌اخلاقی می‌کرد. وقتی در جمعی نشسته بود، شناخته نمی‌شد که او پیامبر و فرمانده و بزرگ این جمعیت است. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

اینکه ما این قدر می‌گوییم و می‌شنویم که باید مردمی باشیم، یعنی این. مردمی بودن به ادعا کردن نیست. با مردم، با زندگی مردم کنار بیاییم، مثل مردم زندگی کنیم، با طبقات مختلف مردم انس بگیریم. این، معنای مردمی بودن است. سیره‌ی پیغمبر این است که با فقرا و با ضعفا و مانند اینها کنار می‌آمد. به شئون ظاهری و آن چیزهایی که به حسب ظاهر موجب جلال و شوکت و این چیزها است، اهمیتی نمی‌داد. وضع زندگی پیغمبر این‌طور بود؛ این برای ما واقعاً درس است. حالا ما البته نه توقع داریم، نه می‌شود توقع داشت که مثل آن بزرگوار یا مثل امیرالمؤمنین رفتار کنیم؛ نه خب، وضع آن‌ها وضع دیگری است، جایگاهشان جایگاه دیگری است اما آن را بایستی ملاک قرار بدهیم. آن را مثل یک نشانه‌ای [قرار دهیم]؛ شما فرض کنید از یک

طبقات پایین جامعه، دوستی و رفاقت کرد؛ با آن‌ها غذا می‌خورد؛ با آن‌ها می‌نشست؛ با آن‌ها محبت و مدارا می‌کرد؛ قدرت، او را عوض نکرد؛ ثروت ملی، او را تغییر نداد؛ رفتار او در دوران سختی و در دورانی که سختی بر طرف شده بود، فرقی نکرد؛ در همه حال با مردم و از مردم بود؛ رفیق به مردم می‌کرد و برای مردم عدالت می‌خواست. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵) ابن عباس گوید: «پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بر زمین می‌نشست و بر زمین غذا می‌خورد و گوسفند به دستشان می‌گرفت و دعوت برده‌ای را به نان جوین می‌پذیرفت». (شرح حدیثی درباره سیره مردمی پیامبر اعظم (ص) در ابتدای جلسه درس خارج فقه، ۱۳۹۸/۰۱/۰۳)

پیامبر اکرم (ص) روحیه مردمی داشت. در بین مردم زیست و در بین مردم از دنیا رفت. زندگی او مثل دیگران یک زندگی عادی بود. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرمایند:

مردم ده سال با او شب و روز زندگی کردند؛ به خانه‌اش رفتند و او به خانه‌شان آمد؛ در مسجد باهم بودند؛ در راه باهم رفتند؛ باهم مسافرت کردند؛ باهم خوابیدند؛ باهم گرسنگی کشیدند؛ باهم شادی کردند. محیط زندگی پیغمبر، محیط شادی هم بود؛ با افراد شوخی می‌کرد، مسابقه می‌گذاشت و خودش هم در آن شرکت می‌کرد. آن مردمی که ده سال با او زندگی کردند، روز به روز محبت پیغمبر و اعتقاد به او در دل‌هایشان عمیق‌تر شد. وقتی در فتح مکه، ابوسفیان مخفیانه و با حمایت عباس -عموی پیغمبر- به اردوگاه آن حضرت آمد تا امان بگیرد، صبح دید که پیغمبر وضو می‌گیرد و مردم اطراف آن حضرت جمع شده‌اند تا قطرات آبی را که از صورت و دست ایشان می‌چکد، از یکدیگر بربایند! گفت: من کسری و قیصر - این پادشاهان بزرگ و مقتدر دنیا - را دیده‌ام؛ اما چنین عزتی را در آن‌ها ندیده‌ام. آری؛ عزت معنوی، عزت واقعی است؛ «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؛ مؤمنین هم اگر آن راه را بروند، عزت دارند. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

در روایت دارد، فاطمه‌ی زهرا (س) که برای حسن و حسین - که کودکان خردسالی بودند - مقداری آرد دست‌وپا کرده بود و نان مختصری پخته بود، دلش



خارجی و در بهداشت بسیار مؤثر است. این چیزهای به‌ظاهر کوچک، در باطن بسیار مؤثر است. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳)
او لباس ساده می‌پوشید. در عین معاشرت، او در کمال نظافت و طهارت ظاهری و معنوی بود. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

پیامبر اکرم (ص) در میدان‌های مختلف حضور داشت و بانظم جامعه اسلامی را مدیریت می‌نمود. این نظم و انضباط در میدان جنگ نیز قابل مشاهده بود: «پیغمبر در وسط میدان جنگ، نیروهای خودش را مرتب می‌کرد، تشویق و تحریض می‌کرد». (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

۳-۱۰-انضباط؛

به‌صورت منظم و مرتب پیامبر اکرم (ص) به کار مردم اهتمام داشت چه زمانی که محدوده جامعه اسلامی کوچک بود و چه زمانی که قلمرو اسلامی گسترش یافت. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵) در آن جامعه بدوی، مدیریت و دفتر و حساب و محاسبه و تشویق و تنبیه در میان مردم باب کرد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)
از سوی دیگر، خود شخص پیامبر اکرم (ص) عامل به قانون و احکام اسلامی بوده و خود را از سایر مردم مستثنا نمی‌کرد: از قول‌المؤمنین عایشه نقل شده است که سؤال کردند راجع به پیغمبر -اخلاق پیغمبر، رفتار پیغمبر- گفت: «كان خلقه القرآن»؛ اخلاق او، رفتار او، زندگی او، تجسم قرآن بود؛ یعنی چیزی نبود که به او امر کند، خود او از آن غافل بماند. اینها همه‌اش برای ما درس است؛ اینها همه درس است. نه اینکه ما آن عظمت را با حقارت‌های خودمان بخواهیم مقایسه کنیم، آنجا قله است، ما در دامنه‌ها داریم حرکت می‌کنیم؛ اما به سمت قله حرکت می‌کنیم؛ شاخص آنجاست، معیار آنجاست. میدان زندگی هم میدان آزمایش است. ملت ایران این آزمایش‌های دشوار را پشت سر گذاشت که به این عزت رسید. تا وقتی به اسم «لا اله الا الله» و تلفظ محض به «لا اله الا الله» و احياناً به ذهنیت «لا اله الا الله» اکتفا کرده بودیم، اسیر پنجه‌ی طاغوت بودیم. آن وقتی که وارد عمل شدیم، میدان عملی «لا اله الا الله» را شناختیم و پا در آن گذاشتیم، شدیم ملت مسلمان و خدای متعال آن عزت

دامنه‌ی کوهی دارید می‌روید بالا، آن قله مورد نظر تان است، به قله نمی‌رسید اما به طرف قله می‌روید، حرکت به آن سمت می‌کنید؛ باید این جوری باشد. (شرح حدیثی درباره سیره مردمی پیامبر اعظم (ص) در ابتدای جلسه درس خارج فقه، ۱۳۹۸/۰۱/۰۳)

۳-۹-نظم؛

پیامبر اکرم (ص) زندگی ساده‌ای داشت و لباس وی نیز ساده بود اما نظافت را رعایت می‌کرد. «اهل نظافت و تمیزی ظاهر بود؛ لباس، نظیف؛ سروصورت، نظیف؛ رفتار، رفتار بانظافت. شجاع بود». (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳)
پیامبر از دوران کودکی، موجود نظیفی بود. بر خلاف بچه‌های مکه و بر خلاف بچه‌های قبایل عرب، نظیف و تمیز و مرتب بود. در دوران نوجوانی، سرشانه کرده؛ بعد در دوران جوانی، محاسن و سرشانه کرده؛ بعد از اسلام، در دورانی که از جوانی هم گذشته بود و مرد مسنی بود - پنجاه، شصت سال سن او بود - کاملاً مقید به نظافت بود. گیسوان عزیزش که تا بناگوشش می‌رسید، تمیز؛ محاسن زیبایش تمیز و معطر. در روایتی دیدم که در خانه خود خم آبی داشت که چهره مبارکش را در آن می‌دید - آن زمان چون آینه چندان مرسوم و رایج نبود - «كان یسوی عمامته و لحيته اذا اراد ان یخرج الی اصحابه»؛ وقتی می‌خواست نزد مسلمانان و رفقا و دوستانش برود، حتماً عمامه و محاسن را مرتب و تمیز می‌کرد، بعد بیرون می‌آمد. همیشه با عطر، خود را معطر و خوشبو می‌کرد. در سفرها با وجود زندگی زاهدانه با خودش شانه و عطر می‌برد. سرمه‌دان برمی‌داشت، برای این که چشم‌هایش را سرمه بکشد؛ چون آن روز معمول بود مردها چشم‌هایشان را سرمه می‌کشیدند. هر روز چند مرتبه مسواک می‌کرد. دیگران را هم به همین نظافت، به همین مسواک، به همین ظاهر مرتب دستور می‌داد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳)

اشتباه بعضی این است که خیال می‌کنند ظاهر مرتب باید با اشرافی‌گری و با اسراف توأم باشد؛ نه. بالباس وصله زده و کهنه هم می‌شود منظم و تمیز بود. لباس پیامبر وصله زده و کهنه بود؛ اما لباس و سر و رویش تمیز بود. اینها در معاشرت، در رفتارها، در وضع

راه، آن قدرت را، آن هویت برجسته و درخشان را به ما ملت ایران بخشید. ما اگر قدم بگذاریم، خدای متعال پاسخ می‌دهد؛ سریع‌الاجابه است. (بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

همچنین، او حافظ و نگهدارنده ضابطه و قانون بود و نمی‌گذاشت قانون -چه توسط خودش و چه توسط دیگران- نقض شود. خودش هم محکوم قوانین بود. آیات قرآن هم بر این نکته ناطق است. بر طبق همان قوانینی که مردم باید عمل می‌کردند، خود آن بزرگوار هم دقیقاً و به‌شدت عمل می‌کرد و اجازه نمی‌داد تخلفی بشود (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۳). به عنوان مثال:

وقتی که در جنگ بنی قریظه مردهای آن طرف را گرفتند؛ خائن‌هایشان را به قتل رساندند و بقیه را اسیر کردند و اموال و ثروت بنی قریظه را آوردند، چند نفر از امهات مؤمنین -جناب‌ام‌المؤمنین زینب بنت جحش، ام‌المؤمنین عایشه، ام‌المؤمنین حفصه- به پیامبر عرض کردند: یا رسول‌الله! این همه طلا و این همه ثروت از یهود آمده، یک مقدار هم به ما بدهید؛ اما پیامبر اکرم باینکه زن‌ها موردعلاقه‌اش بودند؛ به آن‌ها محبت داشت و نسبت به آن‌ها بسیار خوش‌رفتار بود، حاضر نشد به خواسته‌شان عمل کند. اگر پیامبر می‌خواست از آن ثروت‌ها به همسران خود بدهد، مسلمانان هم حرفی نداشتند؛ لیکن او حاضر نشد. بعد که زیاد اصرار کردند، پیامبر با آن‌ها حالت کناره‌گیری به خود گرفت و یک ماه از زنان خودش دوری کرد که از او چنان توقعی کردند. بعد آیات شریفه سوره احزاب نازل شد: «یا نساء النبی لستنَّ كأحد من النساء»، «یا ایها النبی قل لا رواجک ان کنتن تردن الحیاة الدنیا و زینتها فتعالین امتعن و اسرحن سراحا جمیلا. و ان کنتن تردن اللہ و رسوله والدار الاخرة فان اللہ اعد للمحسنات منکن اجرا عظیما». پیامبر فرمود: اگر می‌خواهید با من زندگی کنید، زندگی زاهدانه است و تخطی از قانون ممکن نیست. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۳)

۳-۱۱- استمداد از خدای متعال؛

آنچه اسلام مطرح می‌کند، این است که عرصه‌ی فعالیت این دین، تمام گستره‌ی زندگی بشر است؛ از اعماق قلب او تا مسائل اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی

و مسائلی که به مجموعه‌ی بشریت ارتباط دارد. در قرآن، این معنا واضح است؛ یعنی اگر کسی این قضیه را انکار کند، قطعاً به بینات قرآن توجه نکرده. در قرآن، یکجا می‌گوید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا**، که مطلب یک مطلب قلبی و مربوط به دل انسان است، اما یکجا هم می‌گوید: **الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ؛** این هم هست؛ یعنی از آن «اذْكُرُوا اللَّهَ» تا «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ»، همه‌ی این عرصه‌ی عظیم در حوزه‌ی تصرف دین است. یکجا خطاب به پیغمبر می‌فرماید که: **«قُمِ اللَّيْلَ الْأَقْلِيْلًا، نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيْلًا، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيْلًا»**، یکجا هم باز خطاب به پیغمبر می‌فرماید که: **«فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ الْإِنْسَانَ نَفْسًا وَحَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ»**؛ یعنی همه‌ی این عرصه‌های عظیم زندگی؛ از بیداری نیمه‌ی شب و تضرع و توسل و دعا و گریه و نماز تا مقاتله و حضور در میدان جنگ که زندگی پیغمبر هم همین را نشان می‌دهد. (بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۰/۸/۰۲)

پیامبر اکرم (ص) بنده خدا بود و در همه حالات (حتی در وسط جنگ) از عبادت خدای متعال غفلت نمی‌کرد؛ پیامبر با آن مقام و با آن شأن و عظمت، از عبادت خود غافل نمی‌شد؛ نیمه‌ی شب می‌گریست و دعا و استغفار می‌کرد. در روز عزت، در روز ذلت، در روز سختی، در روز راحتی، در روزی که دشمن انسان را محاصره کرده است، در روزی که دشمن با همه‌ی عظمت، خودش را بر چشم و وجود انسان تحمیل می‌کند و در همه‌ی حالات خدا را به یاد داشتن، خدا را فراموش نکردن، به خدا تکیه کردن، از خدا خواستن؛ این، آن درس بزرگ پیامبر به ماست. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸)

رابطه خدا و پیامبر یک رابطه دو سویه و دوطرفه بود: خدای متعال در همه‌ی صحنه‌ها به یاد پیامبر بود و رسول اکرم در همه‌ی صحنه‌ها از خدا استمداد کرد، از خدا خواست و از غیر خدا نترسید و نهراسید. راز اصلی عبودیت پیامبر در مقابل خدا این است؛ هیچ قدرتی را در مقابل خدا به حساب نیاوردن، از او واهمه نکردن، راه خدا را به خاطر اهوای دیگران قطع نکردن. (بیانات



در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳ و بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸ همه می‌دانستند که وقتی با این شخص قرارداد بستند، به قرارداد او می‌شود اعتماد کرد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

۳-۱۳- تدبیر جنگی؛

یکی از ویژگی‌های پیامبر آن بود که در جنگ‌ها با تدبیر عمل می‌کرد. معظم له چند نمونه تاریخی از تدابیر عالی پیامبر اکرم (ص) را ذکر کرده است. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به تدابیر جنگی با کفار مکه اشاره می‌نماید،

کسی که تاریخ ورود پیامبر به مدینه را بخواند - آن جنگ‌های قبیله‌ای، آن حمله کردن‌ها، آن کشاندن دشمن از مکه به وسط بیابان‌ها، آن ضربات متوالی، آن برخورد با دشمن عنود - چنان تدبیر قوی و حکمت‌آمیز و همه‌جانبه‌ای در خلال این تاریخ مشاهده می‌کند که حیرت‌آور است و مجال نیست که من بخواهم آن را بیان کنم. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳)

بعد از آن، به ماجرای صلح حدیبیه اشاره می‌کند که برابر تدابیر پیامبر اکرم (ص) نتیجه این صلح منجر به فتح عظیم شده است:

ماجرای حدیبیه - که یکی از ماجراهای بسیار پرمغز و پر معناست - در این زمان اتفاق افتاد. پیغمبر به قصد عمره به طرف مکه حرکت کرد. آن‌ها دیدند در ماه حرام پیغمبر به طرف مکه می‌آید. چه کار کنند؟ راه را باز بگذارند بیاید؟ با این موقفیت، چه کار خواهند کرد و چطور می‌توانند در مقابل او بایستند؟ آیا در ماه حرام بروند با او جنگ کنند؟ چگونه جنگ کنند؟ بالاخره تصمیم گرفتند و گفتند می‌رویم و نمی‌گذاریم او به مکه بیاید؛ و اگر بهانه‌ای پیدا کردیم، قتل عامشان می‌کنیم. پیغمبر با عالی‌ترین تدبیر، کاری کرد که آن‌ها نشستند و با او قرارداد امضاء کردند تا برگردد؛ اما سال بعد بیاید و عمره بجا آورد و در سرتاسر منطقه هم برای تبلیغات پیغمبر فضا باز باشد. اسمش صلح است؛ اما خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «أنا فتحنا لک فتحا مبینا»؛ ما برای تو فتح مبینی ایجاد کردیم. اگر کسانی به مراجع صحیح و محکم تاریخ، مراجعه کنند، خواهند دید که ماجرای حدیبیه چقدر عجیب

در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵ پیامبر دعا و ذکر خدا را حتی در وسط جنگ فراموش نمی‌کرد: «پیغمبر تضرع خودش را از دست نداد و ارتباط خود را با خدا روز به روز محکم‌تر کرد. در وسط میدان جنگ، ... روی زانو می‌افتاد و دستش را پیش خدای متعال بلند می‌کرد و جلو مردم بنا می‌کرد به اشک ریختن و با خدا حرف زدن: پروردگارا! تو به ما کمک کن؛ پروردگارا! تو از ما پشتیبانی کن؛ پروردگارا! تو خودت دشمنان را دفع کن. نه دعای او موجب می‌شد که نیرویش را به کار نگیرد؛ نه به کار گرفتن نیرو، موجب می‌شد که از توسل و تضرع و ارتباط با خدا غافل بماند؛ به هر دو توجه داشت». (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

جامعه‌ی ما با درس گرفتن از این اخلاق نبوی، باید به یک جامعه‌ی اسلامی منقلب شود.

انقلاب برای این نیست که کسانی بروند و کسان دیگری بیایند؛ انقلاب برای این است که ارزش‌ها در جامعه تغییر کند؛ اعتبار و ارزش انسان به عبودیت خدا باشد؛ انسان بنده‌ی خدا باشد، برای خدا کار کند، از خدا بترسد، از غیر خدا نترسد، از خدا بخواهد، در راه خدا کار و تلاش کند، در آیات خدا تدبیر کند، عالم را درست بشناسد، کمر به اصلاح مفسد جهانی و بشری ببندد و از خود شروع کند؛ هر کدام ما از خودمان شروع کنیم. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵)

۳-۱۲- وفاداری به پیمان‌های نظامی:

از دیگر خلقیات پیامبر اکرم (ص) وفای به عهد‌ها و پیمان‌ها بود. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳) حتی پیمان‌هایی که در زمان جاهلیت بسته شده بود به مفاد آن پای‌بند بود. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به یکی از پیمان‌های پیامبر اشاره می‌فرماید که هر چند در عصر جاهلیت بسته شده بود (مثل «حلف الفضول») ولی پیامبر در صدر اسلام پایبند آن بود. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳)

این پیمان‌ها در حوزه‌های مختلفی بود، برخی از این پیمان‌ها نظامی بود. عهدهایی با کفار مکه، یهودیان و ... منعقد شده بود. پیامبر به تمامی این پیمان‌ها وفادار بود، ولی نقض پیمان از سوی کفار و مشرکین و یهودیان بود. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران،

را کوچ داد و از آن منطقه بیرون کرد و تمام امکاناتشان برای مسلمان‌ها ماند. دسته دوم، بنی‌نضیر بودند. اینها هم خیانت کردند لذا پیغمبر فرمود مقداری از وسایلتان را بردارید و بروید؛ اینها هم مجبور شدند و رفتند.

اما با دسته سوم از یهودیان پیمان نظامی بست:

دسته سوم بنی‌قریظه بودند که پیغمبر امان و اجازه‌شان داد تا بمانند؛ اینها را بیرون نکرد؛ با اینها پیمان بست تا در جنگ خندق نگذارند دشمن از طرف محلاتشان وارد مدینه شود. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

تدبیر علیه پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با قبیله بنی‌قریظه جالب است. بعد عهدشکنی یهودیان، به دوپهم‌زنی رابطه قریش با بنی‌قریظه و سپس عدم تعلل در محاصره بنی‌قریظه اقدام می‌نماید:

اما اینها ناجوانمردی کردند و با دشمن پیمان بستند تا در کنار آن‌ها به پیغمبر حمله کنند! یعنی نه فقط به پیمان‌شان با پیغمبر پایدار نماندند، بلکه در آن حالی که پیغمبر یک قسمت مدینه را - که قابل نفوذ بود - خندق حفر کرده بود و محلات اینها در طرف دیگری بود که باید مانع از این می‌شدند که دشمن از آنجا بیاید، اینها رفتند با دشمن مذاکره و گفتگو کردند تا دشمن و آن‌ها - مشترکاً - از آنجا وارد مدینه شوند و از پشت به پیغمبر خنجر بزنند! پیغمبر در اثنای توطئه اینها، ماجرا را فهمید. محاصره مدینه، قریب یک ماه طول کشیده بود؛ در اواسط این یک ماه بود که اینها این خیانت را کردند. پیغمبر مطلع شد که اینها چنین تصمیمی گرفته‌اند. با یک تدبیر بسیار هوشیارانه، کاری کرد که بین اینها و قریش به هم خورد کاری کرد که اطمینان اینها و قریش از همدیگر سلب شد. یکی از آن حیل‌های جنگی سیاسی بسیار زیبای پیغمبر همین جا بود؛ یعنی اینها را علی‌العجاله متوقف کرد تا نتوانند لطمه بزنند. بعد که قریش و همپیمانان‌شان شکست خوردند و از خندق جدا شدند و به طرف مکه رفتند، پیغمبر به مدینه برگشت. همان روزی که برگشت، نماز ظهر را خواند و فرمود نماز عصر را جلو قلعه‌های بنی‌قریظه می‌خوانیم؛ راه بیفتیم به آنجا برویم؛ یعنی حتی یک شب هم معطل نکرد؛ رفت و آن‌ها را محاصره کرد. بیست و پنج روز

است. سال بعد پیغمبر به عمره رفت و علی‌رغم آن‌ها، شوکت آن بزرگوار روز به روز زیاد شد. سال بعدش - یعنی سال هشتم - که کفار نقض عهد کرده بودند، پیغمبر رفت و مکه را فتح کرد که فتحی عظیم و حاکی از تسلط و اقتدار آن حضرت بود؛ بنابراین پیغمبر با این دشمن هم مدبرانه، قدرتمندانه، با صبر و حوصله، بدون دستپاچگی و بدون حتی یک قدم عقب‌نشینی برخورد کرد و روز به روز و لحظه به لحظه به طرف جلو پیش رفت. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

تدبیر هوشمندانه پیامبر را در مواجهه با یهودیان می‌بینیم. نوع مواجهه نظامی پیامبر اکرم (ص) با سه قبیله یهود بسیار جالب و از هم متفاوت بود.

پیغمبر، بیخود و بدون مقدمه هم سراغ اینها نرفت؛ هر کدام از این سه قبیله عملی انجام دادند و پیغمبر بر طبق آن عمل، آن‌ها را مجازات کرد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

در ابتدای امر با یهودیان مبارزه فرهنگی داشت. یهودی‌ها بیگانگان نامطمئنی که علی‌العجاله حاضر شدند با پیغمبر در مدینه زندگی کنند؛ اما دست از مویگری و اخلاگری و تخریب بر نمی‌داشتند. اگر نگاه کنید، بخش مهمی از سوره بقره و بعضی از سوره‌های دیگر قرآن مربوط به برخورد و مبارزه فرهنگی پیغمبر با یهود است. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

اما وقتی دید یهودیان اهل مدارا نیستند وارد فاز نظامی شد:

چون گفتیم اینها فرهنگی بودند؛ آگاهی‌هایی داشتند؛ روی ذهن‌های مردم ضعیف‌الایمان اثر زیاد می‌گذاشتند؛ توطئه می‌کردند؛ مردم را ناامید می‌کردند و به جان هم می‌انداختند. اینها دشمن سازمان‌یافته‌ای بودند. پیغمبر تا آن جایی که می‌توانست، با اینها مدارا کرد؛ اما بعد که دید اینها مدارا بردار نیستند، مجازاتشان کرد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

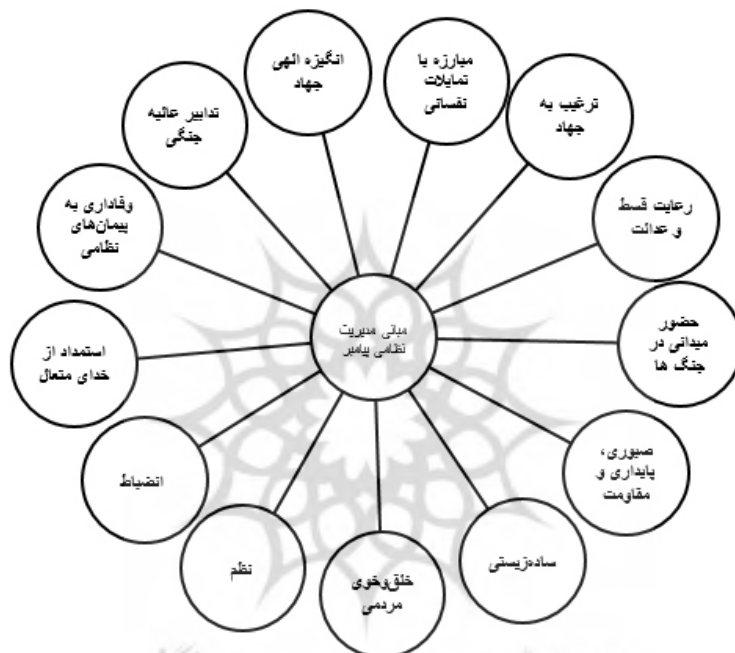
پیامبر اکرم به سراغ قبیله اول و دوم یهودیان رفت و باعث کوچاندن آن‌ها از مدینه شد.

اول، بنی‌قینقاع بودند که به پیغمبر خیانت کردند؛ پیغمبر سراغشان رفت و فرمود باید از آنجا بروید؛ اینها



پیغمبر در رفتار خود مدبرانه عمل کرد و سرعت عمل داشت. نگذاشت در هیچ قضیه‌ای وقت بگذرد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)
در این مقاله، مبانی و اصول مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) برابر بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مورد بررسی قرار گرفته که به یازده مورد از آن اشاره گردید. در نمودار زیر، به این مبانی و اصول اشاره شده است.

بین اینها محاصره و درگیری بود؛ بعد پیغمبر همه مردان جنگی اینها را به قتل رساند؛ چون خیانت‌شان بزرگ‌تر بود و قابل اصلاح نبودند. پیغمبر با اینها این‌گونه برخورد کرد؛ یعنی دشمنی یهود را -عمدتاً در قضیه بنی قریظه، قبلش در قضیه‌ی بنی‌نضیر، بعدش در قضیه یهودیان خیبر- این‌گونه با تدبیر و قدرت و پیگیری و همراه با اخلاق و الای انسانی از سر مسلمان‌ها رفع کرد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)



نمودار ۱: مبانی مدیریت نظامی پیامبر از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

در سازمان‌های نیروهای مسلح بر اساس آموزه‌های اسلامی و وحیانی باشد. مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) چون متصل به وحی می‌باشد، قابل بهره‌گیری در جهان معاصر (به‌ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران) را دارد. این مقاله باهدف تحلیل قرآنی مبانی مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تدوین شده است.
ابزار گردآوری داده‌ها، اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای بوده و روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی است. در راستای پرسش‌های تحقیق، منابع علمی در خصوص موضوع، بیانات معظم له در سایت مقام معظم رهبری

*** ۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادها**
امروزه موفقیت نهادها و سازمان‌ها تا حدود زیادی به کارایی و اثربخشی مدیریت وابسته است. الگوهای مدیریت که متصل به آموزه‌های وحیانی و اسلامی باشند، از اثربخشی زیادی برخوردار خواهند بود. همان‌طوری که پیامبر اکرم (ص) الگوی حسنه برای مؤمنان و چه بسا برای کلیه انسان‌ها محسوب می‌شود در خصوص نظامی هم یک الگوی مطلوب می‌باشد لیکن تاکنون مبانی مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) شناسایی و تحلیل نشده است. شکل‌گیری نظام اسلامی بیشتر از قبل اقتضاء می‌کند که مدیریت

۱- تصویب رساله‌های کارشناسی ارشد و دکترا در خصوص «احصای مبانی، اصول و روش و بینش مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص)» با استفاده از ظرفیت‌های دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی در سطح نیروهای مسلح.

۲- تدوین جزوات و کتاب‌هایی پیرامون «مبانی، روش و بینش مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)» (که بخشی از آن مبانی و اصول در این مقاله بدان اشاره گردید) و توزیع آن در بین فرماندهان و دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح.

۳- شناسایی و پیاده‌سازی فرامین و تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص مبانی و روش‌های مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) در مجموعه نیروهای مسلح.

۴- پرداختن به سایر مبانی و اصول مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) همچون شجاعت و دلیری؛ رازداری؛ یکسان نشمردن دشمنان؛ رعایت اخلاق اسلامی؛ اشداء علی الکفار رحماء بینهم.

(مدظله‌العالی) مرتبط با مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها نشان داد مبانی مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) از منظر امام خمینه‌ای (مدظله‌العالی) دارای مبانی و اصولی متعددی می‌باشد. در این مقاله به یازده مورد از آن اشاره گردید که عبارت‌اند از: انگیزه الهی؛ جهاد؛ جهاد با تمایلات نفسانی؛ رعایت اخلاق اسلامی؛ قسط و عدالت؛ حضور میدانی در جنگ‌ها و صحنه‌های نبرد؛ صبوری، پایداری و مقاومت؛ ساده زیستی و معاشرت؛ نظم؛ انضباط؛ دارا بودن خلق و خوی مردمی؛ استمداد از خدای متعال؛ وفای به عهدهای نظامی؛ و تدابیر عالی‌ه جنگی.

در نتیجه مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) قابل بهره‌گیری در ابعاد مختلف مدیریتی در جهان به‌ویژه در جوامع اسلامی است. در صورت تبیین و شناسایی الگوی مدیریت نظامی و حیانی و الهی، سازمان‌های نیروهای مسلح می‌توانند نقش و مأموریت‌های خود را به صورت مطلوب ایفا نمایند.

نتایج این تحقیق برای دانشجویان رشته‌های مدیریت نظامی و تفسیر و علوم قرآنی مفید می‌باشد. ترسیم مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) براساس آموزه‌های و حیانی، زمینه تهیه و تدوین متون مناسبی آموزشی برای دانشجویان را فراهم می‌سازد. همچنین نتایج این تحقیق برای طراحان و تدوین‌کنندگان طرح‌های نظامی با استفاده از بینش، اصول و مبانی و روش پیامبر اکرم (ص) مفید می‌باشد. الگوی مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) در درون سازمان‌های نظامی، در زمان قبل از جنگ، در صحنه نبرد و بعد از جنگ، برای فرماندهان و سربازان و عموم مردم قابلیت بهره‌برداری را دارد.

به علاوه یافته‌های تحقیق، برای فرماندهان و مسئولین نیروهای مسلح قابل بهره‌برداری است. آگاهی مدیران و کارکنان نظامی از اصول و مبانی، روش‌ها و بینش مدیریت نظامی اسلامی افزوده خواهد شد و زمینه پیاده‌سازی مدیریت نظامی الهی را بیش از پیش فراهم می‌سازد. به‌طور کلی، اعمال مدیریت نظامی الهی باعث افزایش کارایی و اثربخشی و بهره‌وری سازمانی می‌شود.

پیشنهادهای کاربردی



* فهرست منابع:

- ✓ قرآن کریم
- ✓ درویشی، سیدرضا. (۱۳۹۲)، بررسی مدیریت نظامی حضرت داود (ع) از دیدگاه از دیدگاه قرآن و روایات، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی، شماره ۵۱.
- ✓ بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در سایت‌های KHAMENE.IR و Leader.ir.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۵
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث، ۱۳۷۶/۱۲/۱۳
- بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۶/۱۲/۱۳
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸
- بیانات در دیدار کارگزاران حج؛ ۱۳۸۵/۰۵/۳۱
- بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۰۱/۰۶
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید، ۱۳۸۵/۰۵/۱۳۱
- بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹
- بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۶/۰۹/۱۵
- شرح حدیثی درباره سیره مردمی پیامبر اعظم (ص) در ابتدای جلسه درس خارج فقه، ۱۳۹۸/۱۰/۰۳
- سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۳۹۹/۰۱/۰۳
- بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۰/۰۸/۰۲
- ✓ درویشی، سیدرضا. (۱۳۹۲) بررسی مدیریت نظامی حضرت داود (ع) از دیدگاه از دیدگاه قرآن و روایات، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی شماره ۵۱: ۲۰-۱۶۷.
- ✓ رشیدزاده، فتح‌الله. (۱۳۸۳)، ویژگی‌های فرماندهان آینده، همایش راهکارهای ارتقای کیفی دانشگاه‌های نیروهای مسلح.
- ✓ رشیدزاده، فتح‌الله. (۱۳۹۰)، منش فرماندهی، تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).
- ✓ رشیدی، مهدی و آذر، داود. (۱۳۹۵)، تحلیل هرمنوتیک عملیات روانی در عصر نبوت پیامبر اسلام،
- فصلنامه علوم و فنون نظامی.
- ✓ رضایی، صادق و بهشتی، سعید و رفیعی، حسن رضا. (۱۳۹۵)، سیره مدیریتی پیامبر اکرم (ص) در حوزه انتظام اجتماعی، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ۸، شماره ۲.
- ✓ زین‌الدینی، حمید. (۱۳۹۶)، مدیریت و فرماندهی ن.م از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، ش ۳: ۱۸۹-۱۶۳.
- ✓ شاهقلیان، رضا. (۱۳۹۹)، مؤلفه‌های مدیریت نظامی و فرماندهی پیامبر اکرم، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی سال ۱۹ ش ۱۷۰: ۸۷-۱۴۵.
- ✓ علیانسیب، سیدحسین. (۱۳۹۴)، شیوه پیامبر اکرم (ص) در مدیریت روانی جامعه اسلامی، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۹، ش ۱۶: ۷۸-۵۵.
- ✓ غیاثی، محمد زاهد. (۱۳۸۰) تفکر از منظر قرآن، دوماهنامه بشارت، شماره ۲۵.
- ✓ قائدان، اصغر. (۱۳۸۵)، مدیریت و رهبری پیامبر در عرصه‌های نظامی، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳۱: ۴۱-۶.
- ✓ متولی، عبدالله و بهرام‌نژاد، محسن. (۱۳۹۳)، بازشناسی الگوهای جنگ روانی در نبردهای پیامبر اکرم (ص)، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال ۴، ش ۱۳: ۱۱۲-۸۹.
- ✓ مورهد و گریفین. (۱۴۰۱)، رفتار سازمانی، ترجمه مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران: انتشارات آگاه.
- Barrow, J.C. (1977) 'The variables of leadership: a review and conceptual framework', *Academy of Management Review*, Vol. 2, pp. 233-251.